

تکوین «دیگری» در میان دانش پژوهان روابط بین الملل در ایران

حمیرا مشیرزاده^۱ حیدرعلی مسعودی^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۴/۱۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۷/۷

چکیده

زیربنای تفکر بین‌المللی کشورها در حوزه روابط بین‌الملل، نحوه نگاه به «دیگری» است. طبعاً تفکر بین‌المللی در ایران نیز رابطه نزدیکی با ادراکات از «دیگری» دارد. این مقاله به این موضوع می‌پردازد که دانش پژوهان روابط بین‌الملل در ایران چگونه استعاره را به‌عنوان یک رویه تأثیرگذار زبانی، برای صورت‌بندی مقوله «دیگری» به کار می‌گیرند. این مقاله با تکیه بر چارچوب تحلیلی و روش تحلیل استعاری به بررسی سازه‌های استعاری درباره مقوله «دیگری» در متون دانشگاهی روابط بین‌الملل ایرانی می‌پردازد. محققان روابط بین‌الملل در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تحقیقات نوینی را با هدف کشف و بررسی مفاهیم و اظهارات استعاری در قلمرو متون دانشگاهی انجام دهند. در این مقاله با الهام از روش تحلیل استعاری جاکل، مصادیق مقوله «دیگری» به عنوان قلمرو مقصد از دل متون برگزیده دانشگاهی روابط بین‌الملل استخراج شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. مقاله نشان می‌دهد که استعاره‌های توزیع‌کنندگی، پزشکی/ بدن، بازی و موجودات غیرانسانی بیش از آنکه تلاشی برای ارائه توصیف «دیگری» باشند، نسبت «خود» را با «دیگری»‌ها در بستر سیاست بین‌الملل مشخص می‌کنند. در مقابل، از استعاره‌های نظامی، دینی و روان‌شناختی برای تولید معنای مستقیم درباره مصادیق «دیگری» خصم یعنی آمریکا و اسرائیل استفاده می‌شود.

واژگان کلیدی: استعاره، روابط بین‌الملل، دیگری، رویه زبانی، هویت، ایران

۱. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران

۲. استادیار پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی

نویسنده مسئول؛ h_masoudi@sbu.ac.ir

امروزه سازه‌های هویتی خود و دیگری از اهمیت روزافزونی در تحقیقات اجتماعی برخوردار شده‌اند. بر اساس آمار، چکیده‌های ثبت‌شده در پایگاه‌های اطلاعاتی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، تعداد اسناد موجود اعم از مقالات، کتاب‌ها، فصول کتاب و رساله‌های دکتری که در عنوان یا واژگان کلیدی آن‌ها واژه هویت موجود بوده است به ترتیب به این صورت‌اند: ۱۹۹۹ سند در دهه ۱۹۶۰، ۵۲۹۶ سند در دهه ۱۹۷۰، ۱۱۱۰۶ سند در دهه ۱۹۸۰، ۴۴۵۵۷ سند در دهه ۱۹۹۰، ۹۸۹۳۳ سند در دهه ۲۰۰۰ (Vignoles et. al. 2011: 2) و ۴۶۰۹۲۹ سند از سال ژانویه ۲۰۰۰ تا ژانویه ۲۰۱۷ (ProQuest 2017). به‌طور خاص، در روابط بین‌الملل نیز با روند فزاینده تحقیقاتی مواجهیم که به مقوله هویتی خود و دیگری از زوایای مختلفی نگریسته‌اند. ایور نیومن بر این نظر است که مطالعه ساخت هویتی خود/ دیگری به محققان روابط بین‌الملل کمک می‌کند که کنشگران را بهتر بشناسند و نشان دهند که آن‌ها چگونه تکوین می‌یابند، چگونه خود را حفظ می‌کنند و در چه شرایطی به موفقیت دست می‌یابند. دیدگاه تأثیرگذار ونت در مورد نقش عوامل هویتی در سیاست بین‌الملل، برداشت دیوید کمبل از سیاست خارجی به‌مثابه تفکیک مرزبندی/ سوژه، نقد در دریان از یکپارچه‌انگاری هویت ملی از طریق بیگانگی از دیگران، توجه به هویت‌های آمیخته در اندیشه پسااستعمارگرایی، بحث شاپیرو و آلکر پیرامون هویت‌های متحرک و مرزهای در حال تغییر، ظهور دیپلماسی هویت و منطقه‌گرایی هویتی در بحث‌های جدید منطقه‌گرایی همگی نشانگر توجه روزافزون دانش روابط بین‌الملل به سازه‌های هویتی خود و دیگری است.

ساخت خود و دیگری به خصوص نحوه نگاه به «دیگری»، در حوزه اندیشه روابط بین‌الملل ایرانی از جایگاه مهم تاریخی برخوردار است. واکاوی متون حماسی کهن ایرانی مانند شاهنامه فردوسی نشان می‌دهد که تکوین سازه‌های هویتی خود و دیگری در تاریخ ایران، دارای ویژگی‌های متمایزکننده‌ای از سایر کشورها و جوامع است؛ به گونه‌ای که بنیان تاریخی هویت ایرانی اگرچه بر اساس نوعی هستی‌شناسی مبتنی بر خیر و شر شکل می‌گیرد، اما هویت ممدوح «خود» ایرانی آن قدر گشاده و فراخ فرض می‌شود که نهایتاً این اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی تعصب‌گریز هستند که ماهیت هویت ایرانی

را در تمایز از «دیگری» یا «غیر» شکل می‌دهند. تاریخ نوین ایران نیز با شدت بیشتری تحت تأثیر سازه‌های هویتی خود و دیگری است. بر این اساس، نحوه تکوین تاریخی ساخت «دیگری» بعد از صفویه را می‌توان به سه دوره کلان تقسیم کرد: دوران صفوی که «دیگری» بر اساس رویدادهای داخلی تکوین می‌یابد؛ دوران قاجار و پهلوی که رویدادهای خارجی بر نوع نگاه به «دیگری» تأثیر گذارند و نهایتاً دوران جمهوری اسلامی که ساخت «دیگری» تحت تأثیر توأمان رویدادهای داخلی و خارجی شکل می‌گیرد.

با توجه به اهمیت مقوله «دیگری» در علوم اجتماعی معاصر و به طبع آن دانش کنونی روابط بین‌الملل و همچنین با در نظر داشتن جایگاه مهم و تأثیرگذار آن در تطور اندیشه های تاریخی ایران نسبت به محیط پیرامون خود، شایسته است این مقوله با استفاده از ابزارهای تحلیلی نوآورانه و بهره گیری از داده های خام جدید در دانش روابط بین‌الملل مورد بررسی بیشتر قرار گیرد. در این راستا، ابتدا آثار موجود مرتبط با این موضوع، واکاوی و خلأهای احتمالی شناسایی می‌شوند؛ سپس تحلیل استعاری به عنوان چارچوب مفهومی مقاله شرح داده خواهد شد؛ پس از آن، روش پژوهش و مبتنی بر آن، استعاره‌های مفهومی در متون روابط بین‌الملل ایرانی شناسایی و تحلیل خواهند شد.

۱. پیشینه پژوهش

دامنه بحث خود و دیگری را می‌توان در سطوح مختلفی از جمله تاریخی، رسانه‌ای، سیاست خارجی و دانشگاهی پی گرفت. در سطح مطالعات تاریخی، ادوارد سعید (Said 1995) تلاش کرد سازه‌های کلان شرق و غرب را در بستر روابط استعماری مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. او نشان داد که شرق چگونه در بستر مطالعات شرق‌شناسانه محققان غربی به عنوان «دیگری فرودست» غرب برساخته می‌شود. در همین بستر فکری، توکلی طرقي در کتاب تجدد بومی و بازاندیشی تاریخی (۱۳۸۱) خود و دیگری را در روابط اروپائیان و غیر اروپائیان در قالب «بازآرایی‌های آینده‌نگرانه درباره خویش» بررسی می‌کند که برخی به همسان‌سازی خویش با دیگری و برخی دیگر به ناهمسان‌سازی دیگری منجر شد. همین نویسنده در کتاب دیگر با عنوان نوسازی ایران: شرق‌شناسی، شرق‌شناسی وارونه و تاریخ‌نگاری (Tavakoli-Targhi 2001) بر این نظر است که

روایت ایرانیان از زنان اروپایی نقش محوری در برساختن اروپا به عنوان یک «دیگر فرهنگی» نزد ایرانیان بازی می‌کند. حمید نساچ (۱۳۹۱) نیز با رویکرد فرهنگی در مقاله‌ای به بررسی ادوار تاریخی شناخت دیگری در غرب و شرق می‌پردازد. تأکید او بر ویژگی‌های مشترک دیگرشناسی در شرق و غرب است و از این منظر، شناخت غرب از شرق را به چهار دوره باستانی، ایمانی، دانش‌بنیان و پسااستعماری و دوره‌های شناخت شرق از غرب را به چهار دوره باستانی، ایمانی، آشفتگی و انفعالی تقسیم می‌کند.

در سطح رسانه‌ای، حمیرا مشیرزاده و فاطمه بهرامی‌پور (۱۳۹۶) به بررسی نقش رسانه‌های آمریکایی در برساختن ایران به عنوان «دیگری دشمن» بر اساس اسناداتی مانند قانون‌گریز، خشونت‌طلب و بنیادگرا و استعاره‌هایی مانند محور شرارت و خط قرمز پرداخته‌اند. در سطح سیاست خارجی، مجید ادیب‌زاده در کتابی با عنوان زبان، گفتمان و سیاست خارجی (۱۳۸۷) به واکاوی تبارشناسانه شیوه‌های بازنمایی تصویر غرب در لابه‌لای جهان نمادین متن‌ها و گفتمان‌های سیاست خارجی ایران پرداخته است. او با بررسی این پیدایش، تکوین و ظهور گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشان داده است که تصاویر نامطلوب از غرب، از موانع فرهنگی در گفتگوی ایران و غرب است و شناختن این بن‌بست‌های فرهنگی، می‌تواند افق‌های تازه‌ای در نگرش به سیاست خارجی ایران بگشاید. هنسن (Hansen 2011) نیز امنیتی‌سازی را موجد دیگری‌سازی در سیاست خارجی بر مبنای تمایزهای مفهومی و فرهنگی مانند بربر و شیطانی، ضعیف و ترسو، ضد مقدس، تحت ظلم و تحقیر شده می‌داند. تد هاف (Hopf 2002) بر این نظر است که موجودیت هویت قدرت بزرگ بدون وجود هویتی دیگر به نام قدرت کوچک بی‌معناست. از نظر بهار رومیلی (Rumelili 2004) تمایزگذاری میان اتحادیه اروپا و اروپای شرقی و مرکزی بر اساس تمایز مفهومی بین خود و دیگری بر اساس مفاهیمی مانند دموکراسی و سرمایه‌داری / غیردموکراسی و غیرسرمایه‌داری ممکن است. مشیرزاده و صلواتی (۱۳۹۲) نیز در مقاله‌ای به بررسی دیگری بنیادگرا در اسناد امنیتی / راهبردی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر پرداخته‌اند. آن‌ها ضمن مرور ادبیات پسااستخارگرایانه درباره خود و دیگری، نشان داده‌اند که ساخت دیگری بنیادگرا در سیاست خارجی آمریکا کاملاً منطبق با اسطوره‌های هویتی آمریکاست و می‌تواند به

حفظ هویت آمریکایی و تکوین رویه‌های گفتمانی و فرایندهای درون‌گذاری و برون‌گذاری بر مبنای هویت و منافع ملی آمریکا بی انجامد. یکی از مهم‌ترین وجوه سیاست خارجی، تصاویر متقابل خود و دیگری در روابط میان کشورهاست. به‌طور خاص، در روابط ایران و آمریکا می‌توان از نقش پررنگ سازه‌های هویتی خود و دیگری سخن گفت. در همین رابطه، رضا سلیمانی (۱۳۸۹) در رساله دکتری خود، خصیصه نفی‌کنندگی آمریکا را به‌عنوان «دیگری اصلی» در گفتمان سیاست خارجی ایران در سه دهه پس از انقلاب اسلامی بررسی کرده است. او نشان می‌دهد که «دیگری» ای به نام آمریکا چگونه در روند انعقاد یافتگی گفتمان سیاست خارجی ایران وارد شده و چگونه در آن تثبیت شده است.

در سطح مباحث دانشگاهی، ساخت خود/ دیگری نقش محوری در تولید گزاره‌های علمی روابط بین‌الملل بازی می‌کند. سیگانکف (Tsygankof 2008) از تمایز دانش روابط بین‌الملل غربی / غیرغربی مبتنی بر دیگری‌های متفاوت سخن می‌گوید. گفتمان‌های نظری کنونی در دانش روابط بین‌الملل عمدتاً با اتکاء به فهم غربی از این ساخت هویتی و اساساً مبتنی بر دوگانه خود فرادست غربی در مقابل دیگری فرودست غیر غربی تکوین یافته‌اند. لین هنسن در بررسی خود درباره بازنمایی جنگ بوسنی (۱۹۹۲-۱۹۹۵) (Hansen 2006) چگونگی تکوین خود غربی در مقابل دیگری بوسنیایی را در گفتمان‌های دانشگاهی روابط بین‌الملل شامل نواقح گرای، واقع‌گرایی کلاسیک، فمینیسم و پسا‌ساختارگرایی نشان داده است. از جمله او با بررسی کتاب‌های رابرت کاپلان، جان مرشایمر و بری پوزن نشان می‌دهد که اگرچه نمی‌توان گفتمان انزجار تاریخی از بالکان را در ارتباط مستقیم با اندیشه واقع‌گرایی قرار داد، اما می‌توان نوعی درهم‌تنیدگی مفهومی بین این گفتمان و خوانش آثار این محققان یافت (Hansen 2006: 133). همچنین هنسن با بررسی آثار فمینیستی گوتمن نشان می‌دهد که جنگ بوسنی را می‌توان بر اساس گفتمان‌های جنسیتی و تمایزهای بین خود (مرد) و دیگری (زن) نیز تحلیل کرد (Hansen 2006: 160).

رکسان دوتی نیز با بررسی آثار دانشگاهی رابرت جکسون و کارل رزبرگ درباره فهم دولت‌مداری در جهان سوم، جفت‌های دوگانه خود (کشورهای شمال) و دیگری

(کشورهای جنوب) را به عنوان منطق پیشبرد بحث بیرون کشیده است. از نظر جکسون و رزبرگ دولت‌مداری در کشورهای جنوب با دولت‌مداری «بهنجار» و «اصیل» در کشورهای شمال کاملاً متفاوت است. بنابراین به نظر دوتی این نوع از گفتمان‌های دانشگاهی غربی، تلاش می‌کنند تعاریف و تقسیم‌بندی‌هایی از مقولات نظری ارائه کنند که رویه‌های امپریالیستی غربی را تحکیم بخشد (Doty 2002: 147-151).

خلائی که این مقاله در صدد پر کردن آن است، بررسی ساخت «دیگری» در آثار دانش‌پژوهان روابط بین‌الملل در ایران است. بنابراین سؤال مقاله این است که ساخت «دیگری» چگونه در گفتمان‌های دانشگاهی روابط بین‌الملل در ایران صورت می‌گیرد. دلیل اهمیت گفتمان‌های دانشگاهی روابط بین‌الملل در ایران، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل گفتمان‌های دانشگاهی و گفتمان‌های رسمی سیاست خارجی و گفتمان‌های رسانه‌ای است. مشارکت علمی دانش‌پژوهان روابط بین‌الملل در محافل تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سیاست خارجی و همین‌طور حضور رسانه‌ای آن‌ها به این معناست که امکان انتقال ادراکات آن‌ها از مقولات تعیین‌کننده و مهم کشور به سطح اجرایی و عملی وجود دارد و بنابراین، جا دارد مورد بررسی قرار گیرند. نحوه نگاه به جهان بیرون یا «دیگری»، یکی از سرنوشت‌سازترین مقولات در تعیین جهت‌گیری کلان کشور در محیط بین‌المللی است. دانش‌پژوهان روابط بین‌الملل به دلیل تسلط به موضوعات مفهومی و نظری و نیز آگاهی از جایگاه کشورها در معادلات قدرت بین‌المللی، می‌توانند نوعی مرجعیت فکری در این زمینه داشته باشند.

در این مقاله از چارچوب استعاره برای بررسی فهم دانش‌پژوهان روابط بین‌الملل از مقوله «دیگری» استفاده شده است. استعاره‌ها نقش مهمی در برساختن شباهت‌ها و تفاوت‌ها و در نتیجه شناخت ما از جهان پیرامون دارند و با انتقال معنا، به فهم امور پیچیده کمک می‌کنند. نقش استعاره در روابط بین‌الملل به این علت پررنگ‌تر می‌شود که سوژه شناسا، تجربه ملموسی از موضوع شناسایی خود ندارد. مصادیق «دیگری» در روابط بین کشورها و جوامع، از آن دست موضوعاتی در روابط بین‌الملل هستند که جز از طریق نمادها و نشانه‌های استعاری نمی‌توان آن‌ها را درک کرد. بنابراین برای بررسی ساخت «دیگری» در میان دانش‌پژوهان روابط بین‌الملل در ایران می‌توان به سراغ

استعاره‌هایی رفت که این مقوله را صورت‌بندی می‌کنند. در این مقاله پس از توضیح چارچوب مفهومی، به روش پژوهش اشاره خواهد شد. سپس با استفاده از روش تحلیل استعاری، استعاره‌های مفهومی در متون دانشگاهی روابط بین‌الملل در ایران که بازنمایی‌کننده مقوله «دیگری» هستند مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲. چارچوب مفهومی: تحلیل استعاره

ریشه استعاره یا metaphor در انگلیسی از واژه یونانی μεταφορά یا metaphora به معنی انتقال^۱ معنی از یک قلمرو به قلمرو دیگر است؛ یعنی اینکه معنی از یک قلمرو شناخته شده یا مبدا^۲ به یک قلمرو ناشناخته یا مقصد^۳ بازتابانده می‌شود و نوعی قیاس پنهان و نهفته را بین این دو قلمرو به وجود می‌آورد. اولین و قدیمی‌ترین تحلیل از استعاره متعلق به ارسطوست که استعاره‌ها را قیاس‌های ضمنی^۴ مبتنی بر اصول قیاس می‌داند. لاکوف و جانسون ماهیت استعاره را فهم و تجربه یک چیز به زبان چیزی دیگر می‌دانند (Lakoff and Johnson 1980: 455).

محققان به انواع مختلف استعاره اشاره کرده‌اند. راینر هولسه (Hulstse 2006) به سه نوع استعاره خلاقانه،^۵ مرده^۶ و متعارف،^۷ ادواردز (Edwards 2011) به دو نوع یخ‌زده^۸ و خلاقانه،^۹ لاکوف و جانسون (Lakoff and Johansen 2003) به سه نوع جهت‌مند،^{۱۰} هستی‌شناختی^{۱۱} و ساختاری^{۱۲} و درولاک (Drulak 2006) به سه نوع رسوب کرده،^{۱۳} متعارف^{۱۴} و غیرمتعارف^{۱۵} اشاره می‌کنند. در یک تقسیم‌بندی بزرگ‌تر و در چارچوب نگاه ادراکی - شناختی می‌توان بین استعاره‌های مفهومی^{۱۶} و اظهارات استعاری^{۱۷} تفکیک

- 1 . Transfer
- 2 . Source Domain
- 3 . Target Domain
- 4 . Implicit Comparisons
- 5 . Creative
- 6 . Dead
- 7 . Conventional
- 8 . Frozen
- 9 . Novel
- 10 . Orientational
- 11 . Ontological
- 12 . Structural
- 13 . Sedimented
- 14 . Conventional
- 15 . Non-Conventional
- 16 . Conceptual Metaphor
- 17 . Metaphorical Expressions

قایل شد. استعاره مفهومی، نقشه هستی‌شناسانه انتزاعی است که قلمرو مقصد را به مبداء پیوند می‌زند. مثلاً «دولت‌ها شخص هستند» یک استعاره مفهومی است. در مقابل، اظهارات استعاری، گزاره‌های خاصی هستند که بر یک استعاره مفهومی کلّی‌تر بنا شده‌اند. در حالی که استعاره‌های مفهومی، دو قلمرو را به یکدیگر متصل می‌کند، اظهارات استعاری، عناصر مقوم این قلمروهای مفهومی را به هم متصل می‌کند. مثلاً گزاره «فرانسه تصمیم گرفت به جنگ برود» یا «آلمان متحد ماست» هر دو بر استعاره مفهومی «دولت‌ها شخص هستند» استوارند (Drulak 2006: 503-504). مبنای اصلی این مقاله، بررسی استعاره‌های مفهومی‌ای است که قلمرو مقصد یعنی «دیگری» را به قلمروهای مبداء متصل می‌کنند.

وظیفه استعاره فهم‌پذیرکردن موضوعات انتزاعی از طریق ابزارهای فیزیکی و ملموس است. نسبت به سایر حوزه‌های علوم اجتماعی، موضوع علم روابط بین‌الملل از درجه انتزاعی بیشتری برخوردار است چراکه بر خلاف سیاست داخلی که نزدیکی بیشتری با تجارب و رویه‌های روزمره مردم دارد، روابط بین‌الملل از ابعاد غیرملموس، تجربه‌گریز و لایه‌های تودرتوی بیشتری برخوردار است. زمانی که از دولت فراتر می‌رویم، نقش استعاره در تکوین شناخت انسان از محیط بین‌المللی بیشتر می‌شود؛ چراکه استعاره بیشتر زمانی به کار می‌رود که تجارب ملموس انسان از یک پدیده کمتر باشد. بنابراین فهم اولیه انسان‌ها از محیط بین‌المللی عمدتاً مبتنی بر شناخت استعاری است.

استعاره‌ها نقش مهمی در تکوین ساخت «دیگری» در عرصه روابط بین‌الملل دارند. به یک معنا چون انسان بیرون از دولت، خودش را بیرون از معانی ملموس زندگی می‌بیند، پس برای معنادارکردن این جهان بیرون یا «دیگری»، لاجرم به استعاره متوسل می‌شود تا با کمک گرفتن از چارچوب‌های جاافتاده و معلوم ذهنیت مبتنی بر دولت، پدیده‌های غریب و نامعلوم بیرون از دولت را قابل فهم کند. بنابراین ذهنیت فرد/دولت نسبت به دیگری/برون دولت، ساخته و پرداخته رابطه‌های معنایی‌ای است که از حوزه‌های استعاری مبداء به شکل خاصی گزینش و به حوزه استعاری مقصد یعنی دیگری/برون منتقل می‌شوند. برای مثال یکی از پرکاربردترین استعاره‌ها برای مفهوم‌بندی محیط‌های اجتماعی بدون دولت یعنی محیط بین‌المللی، استعاره جنگل و گرگ است. بر اساس این

استعاره، سوژه «خود» با بهره‌گیری از مفاهیم زندگی حیوانی، رابطه‌ای انسان‌زدایی‌شده و خشونت‌بار با «دیگری» را سامان می‌دهد که نتیجه قهری آن بقای «خود» به هزینه فزاینده «دیگری» خواهد بود. توجه محققان روابط بین‌الملل به نقش معناساز استعاره در ادبیات سیاسی و بین‌المللی سابقه چندانی ندارد و از نظر ریچارد لیتل تا همین چند سال پیش محلی از اعراب نداشته است (به نقل از: Marks 2011: 1). پیشتر و بیشتر از محققان روابط بین‌الملل، نظریه‌پردازان استعاره بودند که به کاربرد استعاره در ادبیات سیاسی و بین‌المللی اشاره کرده‌اند. از جمله جورج لاکوف که مبنای مفاهیم سیاست خارجی را استعاره «دولت‌ها شخص هستند» می‌داند (Lakoff 1992) و همین‌طور چیلتون و لاکوف که استعاره‌های حاکم بر رقابت آمریکا و شوروی در طول جنگ سرد را مبارزه بین قهرمان و قلدر یا طبابت پزشک برای بیمار و یا جنگ ویتنام را بازی بدون برد می‌دانند (Chilton and Lakoff 2005: 47-48).

اما امروزه با چرخش زبانی در روابط بین‌الملل، توجه محققان روابط بین‌الملل به سوی استعاره جلب شده است؛ از بررسی گفتمان‌های اتحادیه اروپا بر اساس استعاره‌های خانه، خانواده و راه (Hulisse 2006) و نقش استعاره‌های آپارتاید، دهکده جهانی و امپراطوری آمریکا در جنگ عراق ۲۰۰۳ (Mutimer 2008) گرفته تا نقش استعاره‌های درنده، قوم بدوی، بربر، ماشین بی‌عقل، مجرم، متعصب، دشمن خدا، سیل، جزر و مد، بادهای سرد، طاعون، بلا، مار و گرگ در گفتمان رهبران آمریکا در قبال شوروی در طول جنگ سرد (Ivie 1997) و نقش استعاره پدر در فرایند دشمن‌سازی و دیگرسازی در جریان جنگ سرد و پس از آن و جایگزینی تهدید اسلامی به جای تهدید شوروی (Steuter and Wills 2008). جدای از تحقیقات تجربی که با تمرکز بر تحلیل استعاره‌ای در روابط بین‌الملل انجام می‌گیرد، خود دانش روابط بین‌الملل نیز می‌تواند موضوع تحلیل‌های استعاره‌ای قرار گیرد. در سال‌های اخیر، قلمرو جدیدی از تحلیل‌های استعاره‌ای با تمرکز بر خود دانش روابط بین‌الملل گشوده شده است. از جمله مارکس (Marks 2011: 4) در کتاب خود نشان می‌دهد که زبان متعارف در دانش روابط بین‌الملل کنونی شدیداً استعاره‌ای است و استعاره‌ها نقش مهمی در تولید این دانش دارند. از نظر او پارادایم‌های غالب در روابط بین‌الملل که گرایش‌های نظری محققان را هدایت می‌کند

مبتنی بر تصویرسازی‌های استعاری^۱ هستند که گزاره‌ها و احکام نظری را برای فرضیه‌سازی و پیش‌بینی مسایل بین‌المللی در اختیار می‌گذارند. ونسان پولیو^۲ نیز کاربرد مفاهیم استعاری مانند سازه، هنجار و هویت در رهیافت سازه‌انگاری را نشانه تسلط فهم استعاری در روابط بین‌الملل می‌داند (به نقل از: Marks 2011: 4-5). فرض وضعیت طبیعی در نظریات واقع‌گرا که بر اساس آن دولت‌ها همانند حیواناتی در جنگل زندگی می‌کنند نیز از جمله این استعاره‌هاست. شاید اشاره هدلی بول به قیاس داخلی، ناظر بر همین برداشت استعاری از جامعه بین‌المللی آنارشیک باشد.^۳

۱-۲. رابطه استعاره و دیگری

در نتیجه، محققان روابط بین‌الملل در سال‌های اخیر تلاش کردند تحقیقات نوینی را با هدف کشف و بررسی مفاهیم و اظهارات استعاری در قلمرو متون دانشگاهی انجام دهند. این پژوهش‌ها می‌خواهند فرض عینی بودن گزاره‌های علمی را زیر سؤال ببرند و نقش تکوینی سازه‌های استعاری در تولید گزاره‌های نظری و در نتیجه درهم‌تندگی گفتمان‌های علمی و سیاسی را نشان دهند. این مقاله تلاش می‌کند برای اولین بار ساخت «دیگری» در متون روابط بین‌الملل در ایران را بر اساس تحلیل استعاری بررسی کند. بنابراین در ادامه باید دید که روش تحلیل استعاری چیست و چگونه می‌توان آن را برای بررسی متون روابط بین‌الملل در ایران به کار گرفت.

۳. روش پژوهش

در این مقاله از روش تحلیل استعاری استفاده شده است. استعاره عبارت است از انتقال^۴ معنی از یک قلمرو شناخته شده یا مبداء^۵ به یک قلمرو ناشناخته یا مقصد^۶. بر این اساس، به زبان ساده، تحلیل استعاری به معنای تعیین حوزه/ حوزه‌های مقصد، یافتن حوزه‌های استعاری مبدأ و تحلیل و تفسیر معانی منتقل شده از حوزه مبدأ به حوزه مقصد است. محققان مختلف، روش‌های مختلفی را برای تحلیل استعاری پیشنهاد

1 . Metaphorical Imagery
2 . Vincent Pouliot

۳. ریچارد اشلی به این دیدگاه انتقادی هدلی بول اشاره کرده است (Ashley 1995).

4 . Transfer
5 . Source Domain
6 . Target Domain

کرده‌اند. در این مقاله از روش ساده‌سازی شده جاکل استفاده شده است. مراحل دوازده‌گانه روش جاکل عبارتند از: انتخاب حوزه گفتمانی مقصد، جمع‌آوری اطلاعات، جستجوی همه اظهارات استعاری مرتبط، یافتن اظهارات استعاری متعارف، دسته‌بندی اظهارات، یافتن استعاره‌های مفهومی، جستجوی مجدد اظهارات استعاری بر اساس استعاره‌های مفهومی یافته‌شده، تعدیل استعاره‌های مفهومی، تحلیل استعاره‌های مفهومی بر اساس اظهارات استعاری، یافتن پیوند درونی استعاره‌های مفهومی، یافتن استعاره‌های مفهومی رقیب در حوزه مقصد و تحلیل ویژگی‌های برجسته استعاره‌های مفهومی (به نقل از Drulak 2008: 106-107).

در این مقاله با الهام از روش دوازده مرحله‌ای جاکل، مصادیق مقوله «دیگری» به عنوان قلمرو مقصد در نظر گرفته می‌شوند؛ سپس اظهارات استعاری درباره این مصادیق، از دل متون برگزیده دانشگاهی روابط بین‌الملل استخراج می‌شوند؛ این اظهارات دسته‌بندی می‌شوند و از درون این دسته‌بندی‌ها، استعاره‌های مفهومی استخراج می‌شوند؛ سپس اظهارات بر اساس استعاره‌های مفهومی استخراج‌شده مجدداً مورد بررسی و در صورت نیاز، استعاره‌های مفهومی مورد بازبینی قرار می‌گیرند. در نهایت، پیوند درونی استعاره‌های مفهومی و ویژگی‌های معنایی آنها مورد تحلیل قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که کیفی بودن تحلیل ایجاب می‌کند که بدون توجه به تعداد تکرار استعاره‌های مفهومی، تعداد هر چه بیشتری از حوزه‌های استعاری مبدأ استخراج شوند و مبنای تحلیل قرار گیرند؛ چرا که ممکن است برخی از استعاره‌های مفهومی کم تکرار، ماندگاری بیشتری در سپهر گفتمانی جامعه روابط بین‌الملل ایران داشته باشند.

متونی که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرند، متون دانشگاهی روابط بین‌الملل در ایران هستند. منظور از این متون، آثار نوشتاری محققان روابط بین‌الملل در ایران است. با بررسی اولیه آرشیو مجلات تخصصی در پایگاه‌های اطلاعاتی، مشخص شد که می‌توان متون دانشگاهی روابط بین‌الملل ایرانی را شامل مقالات تخصصی و عمومی، کتاب‌ها، مصاحبه‌ها و میزگردهایی دانست که درباره یا شامل مقولاتی است که بنا به دانش اولیه و بررسی مقدماتی مؤلف، به طور بالقوه می‌توان آنها را مرتبط با مقوله دیگری دانست. مقالات، مصاحبه‌ها و میزگردهای تخصصی در پایگاه اطلاعاتی نور و جهاد دانشگاهی و

کتاب‌ها در وبسایت کتابخانه ملی جستجو شد. دامنه بررسی متون دانشگاهی تا جایی بوده است که بررسی متون جدید، در تطابق با چارچوب‌های استعاری برگرفته از متون قبلی باشد و خللی بر آنها وارد نکند. در ادامه با استفاده از چارچوب مفهومی و روش پژوهش پیش‌گفته، به بررسی استعاره‌های مفهومی در متون ایرانی روابط بین‌الملل می‌پردازیم.

۴. استعاره‌های مفهومی در متون ایرانی روابط بین‌الملل

تسلط زبان شعری و میراث سترگ ادبی بر بخش اعظمی از تکاپوهای فکری ایران باعث شده است که کاربرد استعاره‌ها در زبان سیاسی و بین‌المللی ایران از اهمیت بالایی برخوردار شود. چهارراه جهان فرض کردن ایران، سرطانی دیدن اسرائیل، جنگل دیدن خاورمیانه کنونی، نرمش قهرمانانه در مقابل آمریکا، بازی شطرنج سیاسی برای نجات برجام و دیوانه دانستن ترامپ از جمله مشهورترین استعاره‌های کاربردی در ادبیات سیاسی امروز ایران است. این نگاه استعاره‌ای به جهان در میان دانش‌پژوهان ایرانی روابط بین‌الملل نیز دیده می‌شود. بررسی نقش استعاره در نحوه صورت‌بندی مقولات برای دانشوران روابط بین‌الملل در ایران از این جهت ضروری است که به ما کمک می‌کند بنیان‌های استعاری فهم آنها از مواجهه «خود» با «دیگری» در محیط بین‌المللی را درک کنیم. در سطحی دیگر، شاید بتوان گفت فهم نگاه‌های دانشگاهی از دل متون ایرانی روابط بین‌الملل، گویای بخش مهمی از مؤلفه‌های فکری زیست بین‌المللی انسان ایرانی خواهد بود.

منظور از متون ایرانی روابط بین‌الملل، تولیدات نوشتاری یا گفتاری اساتید برجسته ایرانی روابط بین‌الملل است که در قالب مقاله، مصاحبه، کتاب یا هر نوشته دیگر در ایران منتشر شده است. مطالعه مقدماتی این متون بر اساس روش استقرایی - قیاسی انجام شد. به این صورت که دانش اولیه محقق از متون روابط بین‌الملل، زمینه مراجعه به طیفی از متون را میسر کرد و بررسی اجمالی متون نشان داد که کاربرد استعاره‌ها در متون ایرانی روابط بین‌الملل عمدتاً ناظر بر چگونگی تعامل سوژه «خود» با محیط خارجی است تا توصیفی استعاری از یک «دیگری» خاص. دوم اینکه، موارد کاربرد

استعاره در گفتمان‌های دانشگاهی را می‌توان ذیل مقوله‌های مرتبط با «دیگری» یعنی محیط خارجی، آمریکا، اسرائیل و اعراب تحلیل کرد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود. **استعاره‌های ناظر بر محیط خارجی:** محیط خارجی را می‌توان در قالب حوزه‌های استعاره‌ای توزیع‌کنندگی، پزشکی/ بدن، بازی و حیوانی جای داد. در قلمرو توزیع‌کنندگی، توزیع‌کننده، رابط میان تولیدکننده و مصرف‌کننده است. سیف‌زاده از این حوزه استعاره‌ای برای توصیف موقعیت ایران در نسبت با محیط خارجی استفاده می‌کند. او موقعیت راهبردی ایران را به مغازه‌ای خوش‌جا تشبیه می‌کند و می‌گوید:

«ایران یک موقعیت استراتژیک دارد و مثل یک مغازه‌ای می‌ماند سر چهارراه ولی عصر، حالا از این مغازه سر چهارراه ولیعصر اگر شما بتوانید خوب استفاده کنید می‌توانید هم ورودی خوب داشته باشید هم خروجی. چون هم فروشنده به شما نیاز دارد که بهترین بازار است و هم خریدار راهی بهتر از آنجا ندارد و ما می‌توانیم از این موقعیت شدیداً استفاده کنیم» (سیف‌زاده ۱۳۷۷: ۲۵).

همین دیدگاه در جای دیگر در قالب استعاره «تقسیم برق» بیان می‌شود. سیف‌زاده معتقد است «بنده مسئله ایران را همانند یک تقسیم برق تفسیر می‌کنم که ورودی و خروجی‌های زیادی دارد یعنی هم ورودی از نظام به این سمت زیاد است و خروجی از نظام» (سیف‌زاده ۱۳۷۸: ۲۳). به نظر سیف‌زاده «کشور مهم استراتژیک کشوری است که همانند تقسیم برق و یا دستگاه رله عمل می‌کند. چنین کشوری هم دارای دریافتی‌های زیاد از نظام جهانی است و هم به لحاظ منزلت استراتژیک تحولاتش بر نظام جهانی تأثیرگذار است» (سیف‌زاده ۱۳۸۰: ۲۲۱). باوند نیز چنین دیدگاهی دارد و می‌گوید «ما در چهارراه برخورد‌های منافع و مصالح قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی هستیم و با بسیاری از منافع آنها برخورد پیدا می‌کنیم. از نظر سیاست خارجی تنها راه آن است که ما سعی کنیم فعالانه و آگاهانه همسویی ایجاد کنیم» (باوند، ۸۱-۱۳۸۰: ۶۹).

در وهله اول به نظر می‌رسد که در بازی سه‌جانبه بین تولیدکننده، توزیع‌کننده و مصرف‌کننده، نوعی بازی پر سود برد - برد بین آنها به وجود آمده است. اما در پس این تعامل سه‌جانبه ظاهراً سودآور، یک رابطه سلسله‌مراتبی پنهان فرادستی/ فرودستی وجود دارد؛ تولیدکننده در جایگاه فرادست، توزیع‌کننده در جایگاه میانه و مصرف‌کننده در

جایگاه فرودست قرار می‌گیرند چراکه آنچه در نهایت حاصل می‌شود، فروش و مصرف کالا یا خدمات با برند تولیدکننده است. این تولیدکننده است که صاحب فکر، ایده، قدرت تشخیص نیازمندی و توان تولید بهینه و با کیفیت است و دو طرف دیگر، فقط توزیع‌کننده یا مصرف‌کننده‌اند. آنها از خودشان ایده یا قدرت خلاقه‌ای ندارند. به همین صورت، در عرصه سیاست بین‌الملل، اگر قرار باشد ایران نقش «مغازه خوش‌جا» یا «تقسیم برق» را بازی کند، در جایگاه فرودستی نسبت به کشورهای قدرتمند تولیدکننده و جایگاه فرادستی نسبت به کشورهای ضعیف مصرف‌کننده قرار می‌گیرد. در این صورت بندی استعاری، فرض بر این است که ایران صاحب فکر و ایده‌ای قابل عرضه در عرصه بین‌المللی نیست و ناچار است نقش توزیع‌کننده تولیدات فکری و سیاسی قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا را بازی کند. این ساختار بی‌شبهت به ساختار سه‌گانه مرکز، شبه‌پیرامون و پیرامون در اندیشه‌های مارکسیستی نیست.

در حوزه پزشکی / بدن با واژگانی مانند ویروس، بدن، واکسیناسیون، مولکول و ارگانسیم زنده سروکار داریم. «خود» به مثابه بدنی بازنمایی می‌شود که تحت تأثیر عناصر مهاجم خارجی قرار می‌گیرد. بنابراین، «دیگری» در این بازنمایی، به مثابه عناصر مخرب بیرونی هستند که می‌توان از طریق مصون‌سازی و افزایش توان داخلی، با آنها مقابله کرد. برای مثال، سریع‌القلم تأثیر محیط بین‌المللی بر محیط داخلی را همانند ویروس‌های مهاجم به بدن می‌داند و واکسیناسیون را توصیه می‌کند. به نظر او «واکسیناسیون فرهنگی و درونی نیز دقیقاً به همین منظور یعنی قوام بخشیدن به درون، افزایش قوای درونی و آماده‌سازی داخلی برای مقابله با هجوم خارجی توصیه می‌شود» (سریع‌القلم ۱۳۷۱ الف: ۲۸). نقیب‌زاده نیز واکسیناسیون فرهنگی در مقابل هجوم فرهنگی، توصیه می‌کند: به نظر او «ما فرصت‌های خوبی را از دست دادیم، [...] یکی از این فرصت‌ها کارهای فرهنگی بود؛ یعنی در دوره‌ای می‌توانستیم فرهنگ ملی را در اذهان عمومی بنشانیم و آن را در مقابل هجوم فرهنگی واکسیناسیون کنیم» (نقیب‌زاده ۱۳۸۱).

بر اساس این دیدگاه، «فرهنگ ملی» به مثابه عناصر ذاتی فرهنگ یک جامعه تلقی می‌شود که مورد «هجوم فرهنگی» از ناحیه بیرون از مرزهای ملی قرار گرفته است. پس باید فرهنگ درونی یا همان فرهنگ ملی را در مقابل این عناصر مخرب، «واکسینه» کرد.

واکسیناسیون به معنای مصون‌سازی ارگانیسم زنده در مقابل عناصر مخرب بیرونی از طریق تزریق عناصر ضعیف‌شده تخریبی به بدن است. در تلقی مشابه، عسگرخانی نیز نحوه تأثیرگذاری عوامل بیرونی را وابسته به «مولکول‌های داخل کشور» می‌داند و معتقد است «اگر بخواهیم بگوییم که جهانی شدن یک پدیده خوب یا بد است، بستگی به مولکول‌های داخل کشور دارد. یعنی بافت اجتماعی ما اثر مستقیمی روی چگونگی مواجه شدن ما با پدیده جهانی شدن دارد» (عسگرخانی ۱۳۸۱: ۲۴۰-۲۴۱).

استعاره بازی به دو معنا به کار می‌رود: ۱. کاربرد نمایشی ۲. کاربرد ورزشی. در کاربرد نمایشی که در نسبت با واژگانی مانند نقش و سناریو استفاده می‌شود، فرض بر این است که سیاست بین‌الملل همانند بازی چند بازیگر در قالب نقش‌های از پیش تعیین‌شده در قالب سناریوهاست. در این کاربرد، خود و دیگری، بازیگرانی هستند که باید نقش خود را در قالب سناریو اجرا کنند. برای مثال سیف‌زاده سیاست بین‌المللی را به مثابه بازی می‌داند و از «نقش‌های متناقض بازیگران» در بازی بین‌المللی با سناریوهای نقشی سخن می‌گوید (سیف‌زاده ۱۳۷۰: ۱۵۷)، و «تصویر غلط از محیط بازی» را «موجب خلق و ارائه مفاهیم نامناسب منافع ملی» می‌داند (سیف‌زاده ۱۳۷۰: ۲۸۲-۲۸۳). فرهنگ رجایی سیاست را همچون بازی که همه عوامل باید نقش مناسب خود را داشته باشند تعریف می‌کند (رجایی ۱۳۷۹: ۳).

در معنای دوم از «بازی»، سیف‌زاده سیاست بین‌الملل را به مثابه مسابقه فوتبال بازنمایی می‌کند که نتیجه آن بر حسب توان کشورها برای پیگیری منافع ملی رقم می‌خورد نه عدالت و دغدغه‌های اخلاقی کشورها. به نظر او «این طبیعی است که کشور الف برای منافعش هر تلاشی را بکند. سابقه است، مثل اینکه در فوتبال ما بگوئیم که آیا عادلانه است ایتالیا هفت گل به ما بزند، بی‌انصاف‌ها آخر ما مهمان شما بودیم، آمده بودیم به شما گل بزنیم» (سیف‌زاده ۱۳۷۷: ۱۳۲). در این استعاره، «دیگری» همانند رقیبی بازنمایی می‌شود که باید برای به‌دست آوردن منافع، با آن مسابقه داد و به رقابت پرداخت. همین بازنمایی را می‌توان در این بیان از اخوان زنجان‌ی مشاهده کرد که معتقد است «مسئله این است که ما با جهانی شدن چه برخوردی داشته باشیم؟ هر کسی تندتر پارو بزند و قایقی بهتر داشته باشد راحت‌تر و بهتر زندگی می‌کند و سریع‌تر پیش می‌رود» (اخوان ۱۳۷۹: ۱۳۷۹).

۳۶-۳۷). در این استعاره، جهانی شدن به مثابه مسابقه همگانی جوامع برای داشتن زندگی بهتر بازنمایی می‌شود. «دیگری» در این بیان استعاری، همه جوامع رقیبی هستند که ظاهراً رقابت خود را از یک مبدأ واحد شروع کرده‌اند و با تمام توان به سمت خط پایان در حرکت‌اند. بنابراین مهمترین عنصر در این بازنمایی استعاری از «دیگری»، مفهوم «رقابت» است.

در حوزه استعاری حیوانی (موجودات غیرانسانی)، گوینده با استفاده از واژگان متعلق به زندگی حیوانی، سعی می‌کند تعامل بازیگران سیاست بین‌المللی را به گونه‌ای بازنمایی کند که نتیجه حاصل از تعامل‌شان، به سادگی با ارجاع ذهن مخاطب به منطق زندگی حیوانی، قابل پیش‌بینی باشد. برای مثال، اخوان زنجانی از دو استعاره فیل و عنکبوت برای توصیف جایگاه فرادست کشورهای بزرگ نسبت به کشورهای ضعیف استفاده می‌کند. به نظر او

با توجه به پایان یافتن جنگ سرد [...] قدرتهای بزرگ به منظور هدایت و تحت کنترل در آوردن سیاست بین‌المللی با یکدیگر همکاری می‌نمایند. یک ضرب‌المثل آفریقایی می‌گوید: «زمانی که دو فیل با یکدیگر می‌جنگند، آن علف است که زیر پای آنها له می‌شود». اگر این امر بیان‌کننده ویژگی جنگ سرد باشد، میتوان این سؤال را مطرح کرد که در صورت همکاری دو فیل، آیا علف ریشه‌کن نخواهد شد؟. (اخوان زنجانی ۱۳۶۹: ۲۳).

در این بیان استعاری، تعامل قدرت‌های بزرگ با یکدیگر، همانند جنگ فیل‌ها با یکدیگر بازنمایی می‌شود که دیگران را قربانی خود می‌کند. در این بازنمایی، رابطه فرادست/ فرودست در قالب زندگی حیوانی شکل می‌گیرد. اخوان زنجانی در جای دیگر، محیط بین‌المللی را به مثابه «تار عنکبوتی» بازنمایی می‌کند که کشورهای ضعیف را احاطه کرده است و آنها چاره‌ای جز کنار آمدن با آن ندارند. به نظر او «کشورهایی که ضعیف‌ترند در جریان جهان‌گرایی در تار عنکبوتی افتادند که راه فرارشان به طریقی سازش با عنکبوت است؛ یعنی متأسفانه راه چاره دیگری هم ندارند» (اخوان زنجانی ۱۳۸۴: ۲۶۴). **استعاره‌های ناظر بر آمریکا:** بازنمایی‌های استعاری از آمریکا را می‌توان در قالب قلمروهای نظامی، دینی و حیوان (موجودات غیرانسانی)/ جنون مورد بررسی قرار داد.

در قلمرو نظامی، از واژگان متعلق به حوزه نظامی برای بازنمایی نسبت با آمریکا استفاده می‌شود. برای نمونه به نظر منوچهر محمدی «تا زمانی که آحاد جامعه جهانی با برخورداری از نفرت عمومی نسبت به آمریکا وجود دارند این نبرد بی‌امان اولیه ادامه خواهد داشت؛ حتی اگر یک قرن هم طول بکشد» (محمدی ۱۳۸۱: ۱۰۵). محمدی عرصه مناسبات جهانی را عرصه «مبارزه» می‌داند و آن را بر اساس واژگان برگرفته از حوزه‌های جنگی مانند «نبرد بی‌امان»، «نابودی دشمن متقابل» و «پایان جنگ» ادراک می‌کند. در یک طرف این مبارزه، دولت آمریکا با ویژگی‌هایی مانند توسعه‌طلبی و قدرت نظامی و اقتصادی برتر قرار دارد و در طرف دیگر، آحاد جامعه جهانی که ویژگی‌های معینی به آنها نسبت داده نمی‌شود جز اینکه از آمریکا نفرت دارند. محمدی پیش‌بینی می‌کند که نظام سیاسی آمریکا در پایان این نبرد بی‌امان، دچار فروپاشی خواهد شد.

در قلمرو دینی، جهان به سه اردوگاه کفر محارب یا استکباری، کفر غیرمحارب و اسلامی تقسیم شده است. از جمله نقیب‌زاده درباره لزوم اتحاد بین جهان اسلام و جهان غیر اسلام در مقابل استکبار می‌نویسد «با جهان کفر بی‌ضرر می‌توان بر اساس همزیستی مسالمت‌آمیز رابطه‌ای برقرار کرد و حتی در مقابل کفار محارب با آنها پیوند دوستی استوار ساخت. طبق رهنمود امام خمینی (ره)، به این مناسبت که در روزگاری که همه جهان اسلام و بخشی از جهان غیر اسلام دشمن مشترکی دارند که همان استکبار جهانی است، باید با یکدیگر متحد شده، جبهه جهانی مستضعفان را در مقابل مستکبران به وجود آورند» (نقیب‌زاده ۱۳۷۱: ۱۲-۱۳). «دیگری» در این بازنمایی استعاری، همان اردوگاه استکباری است که باید با اتحاد با اردوگاه کفر بی‌ضرر با آن مقابله کرد.

در قلمرو حیوانی/جنون، از واژگان متعلق به دو قلمرو حیوانی و جنون در کنار یکدیگر برای بازنمایی «دیگری» استفاده می‌شود. از جمله منوچهر محمدی جورج بوش را «هیولا و دیوانه» می‌نامد. به نظر او «آقای جورج بوش همه مقررات و قوانین و حقوق بین‌الملل ساخته و پرداخته دست خود آمریکایی‌ها را به کنار گذاشته است و به عنوان یک هیولا و دیوانه‌ای که زنجیرها را پاره کرده است، فقط و فقط به دنبال سلطه هرچه بیش‌تر بر دنیا است» (محمدی ۱۳۸۱ ب). محمدرحیم عیوضی نیز با اشاره به پیام امام خمینی بعد از قطع رابطه آمریکا با ایران، آمریکا را «غول دیوانه» می‌نامد. به تعبیر او

«عصبانیت این غول دیوانه، قدرت تعقل و محاسبه‌گری را از او ستاند و او را از سنجش هزینه و فایده در برنامه‌هایش در قبال ایران عاجز نمود» (عیوضی ۱۳۸۱: ۳۵).

استعاره‌های ناظر بر اسرائیل: اسرائیل در گفتمان‌های روابط بین‌الملل ایرانی بر اساس دو حوزه استعاری بازنمایی حوزه جرم‌شناختی و بدن/ پزشکی می‌شود. باوند با کاربرد استعاره جرم‌شناختی، از «چاقوکشی‌های اسرائیل» (باوند ۱۳۸۱) و خانی و صادقی از «جنایات اسرائیل» (خانی و صادقی ۱۳۹۲: ۵۳) سخن می‌گویند. در همین چارچوب، برخی دیگر از محققان ایرانی، یکی از راهبردهای اصلی اسرائیل بر ضد برنامه هسته‌ای ایران را «اقدام‌های خرابکارانه و مخفیانه» برای «ایجاد اختلال در برنامه هسته‌ای ایران» می‌دانند (مجیدی و ثمودی پبله رود ۱۳۹۳). در این تلقی، اسرائیل نه عضوی عادی از نظام بین‌الملل بلکه عضوی مجرم و بی‌صلاحیت برای پذیرش تعهدات بین‌المللی بازنمایی می‌شود که باید تحت پیگیری قانونی قرار گیرد و نمی‌تواند زیست عادی بین‌المللی داشته باشد. این فهم جرم‌محور از اسرائیل، نسبت وثیقی با تلقی عدالت محور از اسرائیل دارد؛ چرا که بیشتر نخبگان ایرانی، عدالت را «میزان و محکی برای افزایش اعتبار نتیجه‌گیری‌های خود در ارتباط با رژیم صهیونیستی» قرار داده‌اند (آهوئی ۱۳۸۸: ۲۶).

همچنین نقیب‌زاده نیز با کاربرد استعاره بدن/ پزشکی، اسرائیل را به مثابه «غده» ای بازنمایی می‌کند که باقی خواهد ماند. به نظر او «اسرائیل مشکلاتش را ... فقط با فلسطین‌هاست که نمی‌تواند حل کند؛ این غده باقی خواهد ماند» (نقیب‌زاده ۱۳۷۳: ۳۴). در این حوزه استعاری، تثبیت معنا از طریق جفت دوگانه جسم سالم منطقه/ غده به عنوان عامل مریضی صورت می‌گیرد. در این تصویر استعاری، «خود» یعنی کشورهای مسلمان منطقه، واجد جسمانی سالم فرض می‌شوند که از زمان شکل‌گیری رژیم اسرائیل به بعد، سلامت خود را به خاطر پیدایش غده سرطانی اسرائیل از دست داده است. بر این اساس، غده سرطانی اسرائیل عامل اصلی مشکلات و نابسامانی‌های منطقه خاورمیانه دانسته می‌شود و همانند سلول‌های سرطانی می‌تواند در تمام اجزاء این کالبد نفوذ کرده و در آنها ریشه بدواند. در این تصویر، «خود» باید سریعاً برای درمان جسم

سرطانی‌اش اقدام کند و نتیجه این اقدام چیزی نیست جز مداخله برای نابودی کنشگرانه اسرائیل.

استعاره‌های ناظر بر اعراب: اعراب را می‌توان در قالب قلمروهای استعاری جنون، طبیعی، تاریخی و دست‌نشانده‌گی مورد بررسی قرار داد: در قلمرو جنون، از «جنگ جنون‌آمیز» صدام حسین بر علیه ایران (مقتدر ۱۳۶۰: ۴-۲۴۳). سخن گفته می‌شود. در این استعاره، رژیم عراق و در رأس آن شخص صدام حسین به عنوان افرادی مجنون و دیوانه بازنمایی می‌شوند که بدور از محاسبات دقیق نظامی و سیاسی به جنگ با ایران آمده‌اند.

بر اساس بازنمایی در این حوزه استعاری طبیعی، کشورهای عربی به مثابه «بیابان»‌هایی تلقی می‌شوند که هیچ شخمی در آنها اثر نخواهد کرد. به نظر نقیب‌زاده «تجاوز عراق به خاک ایران و همکاری اغلب دولتهای غربی [عربی] با عراق از همان لحظه اول مشخص ساخت که هیچ شخمی در بیابانهای عرب که خود نیز دچار نفاقی مزمن و گندیده بودند نخواهد رویید» (نقیب‌زاده ۱۳۷۶: ۸۱). در این بازنمایی استعاری، «دیگری» در موقعیت فرودست نسبت به «خود» قرار می‌گیرد؛ چراکه همچون بیابانی بازنمایی می‌شود که در هیچ محصولی در آن نمی‌روید. این استعاره در پیوند با استعاره‌های مشابه در گفتارهای عامیانه ایرانیان درباره اعراب، مانند عرب سوسمارخور و بیابان‌گرد معنادار می‌شود.

در حوزه استعاری تاریخی، از زمینه‌های تاریخی برای بازنمایی اعراب استفاده می‌شود. به این بیان دقت کنید «دشنه‌های زهرآلودی که از قضا بر گرده یوسف ایران فرو می‌آمد، کینه و خدعه دیرینه این برادر نمایان را آشکار می‌کرد [...] سازش اعراب و اسرائیل نیز خنجری بود که به ناجوانمردی بر ایران فرو می‌آمد» (نقیب‌زاده ۱۳۷۶: ۸۱). گوینده در این استعاره مفهومی، روابط ایران و اعراب را همانند برادران یوسف بازنمایی می‌کند که در حق یوسف خیانت و ناپرداری کردند و او را در چاه انداختند. داستان یوسف نماد ناروایی و ناراستی دوستان و نزدیکانی است که از پشت به انسان خیانت می‌کنند. بر اساس این استعاره، رژیم‌های عربی، همچون برادرانی بازنمایی می‌شوند که نمی‌توان به برادری آنها امید داشت و ممکن است مجدداً در حق ایران ناجوانمردی کنند.

در قلمرو دست نشانده‌گی، اعراب به خصوص عربستان نه دارای موجودیتی مستقل و قائم به ذات بلکه وابسته به غرب و آمریکا به خصوص در نحوه نگاه به ایران تلقی می‌شود. از جمله در پرونده هسته ای، گفته می‌شود که «عربستان بخش عمده رویکردهای خود در خصوص ایران را با نگاه مقامات آمریکایی دنبال می‌کند» (ملک محمدی و مدنی ۱۳۹۲: ۷۴). همچنین این دیدگاه تأکید دارد که «عربستان که سیاست هایش بیشتر از ایالات متحده متأثر است، در واقع نتوانسته نگاه مستقلی به فعالیت های اتمی ایران بیندازد و بیشتر از عینک غرب این فعالیت ها را رصد می نماید» (ملک محمدی و مدنی ۱۳۹۲: ۷۴). در این تلقی، عربستان به عنوان محور دنیای عرب، در چارچوب مفهوم کلی تر «غرب» جای می‌گیرد و به همین دلیل، با واژگانی مانند «دست نشانده» و «دنباله» غرب از آن یاد می‌شود.

نتیجه‌گیری

چگونگی بازنمایی از «دیگری» یا جهان خارج از «خود»، نقش مهمی در ساختن تفکر بین‌المللی یک کشور دارد. اساساً می‌توان روابط بین‌الملل را به معنای شناخت «خود» از «دیگری» در عرصه فراملی تعریف کرد. در متون علمی روابط بین‌الملل در ایران، می‌توان استعاره‌هایی یافت که معنا را از حوزه‌های بیرون از سیاست وام می‌گیرند و آن را برای صورت‌بندی مفاهیم در حوزه روابط بین‌الملل به کار می‌برند. تحلیل متون دانشگاهی روابط بین‌الملل ایرانی نشان می‌دهد که عمده استعاره‌های به کار رفته در این متون، به دنبال مفهوم‌بندی محیط خارجی هستند تا بازنمایی مستقیم از «دیگری». به عبارت دیگر، این استعاره‌ها، از ارجاع مستقیم به مقوله‌ای خاص به مثابه «دیگری» می‌گریزند و تمایلی به تعیین دقیق مصادیق «دیگری» ندارند. در واقع، در کنار کاربرد برخی استعاره‌ها برای بازنمایی «دیگری خاص» مثلاً آمریکا، اسرائیل و اعراب، استعاره‌های متعددی وجود دارند که «محیط خارجی» را به عنوان «دیگری» بازنمایی می‌کنند. استعاره‌های توزیع‌کنندگی، پزشکی / بدن، بازی و حیوانی اصلی‌ترین استعاره‌هایی که برای توصیف نسبت ایران با محیط خارجی استفاده می‌شوند. اشاره به «چهارراهی بودن»، «مغازه خوش جا بودن» و «همانند تقسیم برق بودن» برای توصیف موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران در جهان، مصادیقی از کاربرد استعاره‌های توزیع‌کنندگی

است که بر اساس آن، ایران در موقعیت فرادست نسبت به مصرف‌کننده و فرودست نسبت به تولیدکننده قدرت در عرصه بین‌المللی قرار دارد. در استعاره‌های پزشکی / بدن از واژگانی مانند ویروس، بدن، واکسیناسیون و مولکول برای توصیف نحوه تأثیرگذاری محیط بین‌المللی بر محیط داخلی استفاده شده است. دانش پژوهان ایرانی روابط بین‌الملل از استعاره بازی به دو معنای نمایش و ورزش برای بازنمایی محیط خارجی استفاده کرده‌اند؛ از جمله اینکه ایران دارای نقشی محوری در سناریوهای بین‌المللی است یا اینکه سیاست بین‌الملل به مثابه بازی فوتبال است که هر کس بر اساس ملی خود می‌تواند منافعش را تأمین کند. همچنین از استعاره‌های حیوانی مانند جنگ فیل‌ها برای بازنمایی تعامل قدرت‌های بزرگ استفاده شده است.

دانش پژوهان ایرانی روابط بین‌الملل علاوه بر بازنمایی کلان از محیط خارجی به مثابه «دیگری»، آمریکا، اسرائیل و اعراب را نیز با استفاده از استعاره‌های بدن/پزشکی / روان پزشکی، جرم‌شناختی، نظامی، دینی و حیوانی به مثابه «دیگری» بازنمایی می‌کنند. اشاره به «نبرد بی‌امان» با آمریکا، مقابله با «اردوگاه استکباری» غرب، همانندنگاری آمریکا با «هیولا» و «غول دیوانه»، سخن از «چاقوکشی» اسرائیل و «غده» دانستن آن و همین‌طور توصیف سرزمین‌های عربی به مثابه «بیابان‌های شخم‌ناپذیر» از جمله تعبیر استعاری درباره «دیگری» در متون ایرانی روابط بین‌الملل هستند. بنابراین نقطه کانونی استعاره‌های دانشگاهی، بازنمایی رابطه «خود» یعنی ایران و «دیگری»‌ها است و نه صرفاً بازنمایی «دیگری». به عبارت دیگر، بسیاری از دانش پژوهان روابط بین‌الملل در ایران ضمن توصیف استعاری از «دیگری» و مصادیق آن، از استعاره‌هایی استفاده می‌کنند که فراتر از بازنمایی صرف «دیگری»، ناظر بر تعیین جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی هستند.

منابع

- اخوان زنجانی، د ۱۳۶۹ «ساختار جامعه بین الملل». *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، مهر و آبان، شماره ۳۸.
- اخوان زنجانی، د ۱۳۷۹ «میزگرد جهانی شدن و اثرات آن بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، پاییز ۱۳۷۹، شماره ۲۳.
- اخوان زنجانی، د ۱۳۸۴ «تراژدی فقر یا ملودی توسعه؟ نسبت ما و جهانی شدن در گفتگوی منتشر نشده راهبرد با شادروان دکتر داریوش اخوان زنجانی»، *راهبرد*، تابستان، شماره ۳۶.
- ادیب زاده، م ۱۳۸۷ زبان، گفتمان و سیاست خارجی: دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمادین ایرانی، تهران: اختران.
- ازغندی، ع ۱۳۸۴ «پوزیتیویسم شناخت مسلط بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». *پژوهشنامه علوم سیاسی*، دوره اول، شماره ۱.
- آهویی، م ۱۳۸۸ «تحول نگاه ایرانی به رژیم صهیونیستی». *دانش سیاسی* ۵.
- باوند، د ۸۱ - ۱۳۸۰ «جهان ایرانی به مثابه نظریه فرهنگی سیاست خارجی»، *فرهنگ دیپلماسی*، زمستان و بهار.
- بهرامی پور، ف ۱۳۹۲ *برساخته شدن ایران بعنوان «دیگری دشمن» در گفتمان رسانه ای ایالات متحده*. رساله کارشناسی ارشد روابط بین الملل، تهران: دانشگاه تهران.
- توکلی طرقي، م ۱۳۸۱ *تجدد بومی و بازناندیشی تاریخ*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- خانی، م، محمدمسعود صادقی ۱۳۹۲ «تحلیل هزینه-فایده راهبرد حمایت همجانبه از رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا». *پژوهش های راهبردی سیاست* ۲: ۱۴۱-۱۳۲.
- رجایی، ف ۱۳۷۴ «میزگرد موانع توسعه یافتگی در خاورمیانه». *مطالعات خاورمیانه*، شماره ۶.
- رجایی، ف ۱۳۷۹ «جهانی شدن و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، سخنرانی در مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۱۹، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* [تاریخ و شماره دقیق مجله در فایل موجود نیست].
- سریع القلم، م ۱۳۷۱ الف «سنت، مدرنیسم و فرهنگ توسعه» *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۶۱ و ۶۲.
- سلیمانی، ر ۱۳۸۹ نفی غیر در مفصل بندی و تثبیت گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مناسبات تهران - واشنگتن. رساله دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سیف زاده، ح ۱۳۷۰ «طرح سیستماتیک مفهومی برای مطالعه سیاست خارجی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، آذر، شماره ۲۶.

سیف‌زاده، ح ۱۳۷۷ «بررسی تحولات تاریخی روابط ایران و آمریکا گفتگوی مشترک جمعی از استادان علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تاریخ معاصر»، *فصلنامه یاد*، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۷۰-۱۳. سیف‌زاده، ح ۱۳۷۸ «میزگرد جایگاه خاورمیانه در مناسبات جدید بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۱۸.

سیف‌زاده، ح ۱۳۸۰ «کندوکاوی در: جلوه‌های سیاسی جهانی شدن و نسبت آن با مبانی استراتژیک سیاست خارجی»، *راهبرد*، شماره ۲۰، تابستان.

عسگرخانی، ا ۱۳۸۱ «میزگرد جهانی شدن؛ ابعاد و پیامدهای آن ۲»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال سوم، شماره ۱۱، بهار.

عطایی، ف و مجید بهستانی. ۱۳۸۹ هویت و غیریت در زمان شکل‌گیری کشور ایران از منظر شاهنامه. دیدگاه انسان باورانه ایرانی در سیاست خارجی. *روابط خارجی* ۲۸: ۷۹-۱۱۰.

عیوضی، م ۱۳۸۱ «انقلاب اسلامی و کارآمدی سیاست نه شرقی نه غربی». *اندیشه انقلاب اسلامی*، زمستان، شماره ۴، صص ۲۹-۴۲.

گیویان، ع و زهره توکلی ۱۳۹۰ «تصویر عراقی‌ها در سینمای دفاع مقدس». *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره چهارم، شماره ۲، تابستان، صص ۸۷-۱۰۷.

مجیدی، م و علی‌رضا نمودی‌پیله‌رود. ۱۳۹۳ «تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای برسازی برنامه هسته‌ای ایران به عنوان یک تهدید امنیتی». *پژوهش‌های انقلاب اسلامی* ۱۰: ۱۹۱-۲۱۴.

محمدی، م ۱۳۸۱ «بررسی پدیده جهانی شدن». معرفت، شماره ۵۳.

مشیرزاده، ح و فاطمه صلواتی ۱۳۹۲ «جهان اسلام/ دیگری بنیادگرا و اسطوره آرمان‌آمریکایی در سیاست خارجی آمریکا». *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، شماره اول، بهار، صص ۷۳-۱۰۳.

مقتدر، ه ۱۳۶۰ [۱۳۵۹] «مسائل سیاست خارجی ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، تیر، شماره ۲۲.

ملک‌محمدی، ح و سیدمهدی مدنی. ۱۳۹۲ «فرهنگ حاکم بر تعاملات ایران و عربستان از منظر تحلیل سازه‌انگاره». *سیاست* ۲۸: ۴۳-۸۰.

منوری، ع ۱۳۹۵ *تاریخ دیگری در روابط خارجی ایران از شکل‌گیری حکومت صفویه تا ده سال نخست تاسیس نظام جمهوری اسلامی*. تهران: انتشارات دانشگاه خوارزمی.

نساج، ح ۱۳۹۱ «ادوار تاریخی شناخت «دیگری» در غرب و شرق با تاکید بر نگاه محققان معاصر». *فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال سوم، شماره دوازدهم، تابستان، صص ۱۰۵-۱۳۰.

نقیب‌زاده، ا ۱۳۸۱ «نمی‌توانیم جهانی نشویم». *روزنامه صدای عدالت*، ۱۳۸۱/۲/۹.

نقیب‌زاده، ا ۱۳۷۳ «میزگرد درباره صلح ساف - اسرائیل»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، تابستان، شماره ۱.

نقیب‌زاده، ا. ۱۳۷۶ [۱۳۷۵] «رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در آسیای میانه» متن بازبینی شده سخنرانی در دانشگاه تولوز ۱ فرانسه که در ۷ دسامبر ۱۹۹۶ ۱۳۷۵/۹/۱۷ به زبان فرانسه ایراد شده است. منبع: *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۱۹ - ۱۲۰.

- Ashley R 1995 "The Powers of Anarchy: Theory, Sovereignty, and Domestication of Global Life", in James Der Derian ed *International Theory: Critical Investigations*, London: McMillian.
- Campbell, D. 1998 *Writing security. United States foreign policy and the politics of identity*: Univ Of Minnesota Press.
- Chilton, Paul and George Lakoff 2005 "Foreign Policy by metaphor" in Christina Schaffner and Anita L. Wenden eds *Language and Peace*, Amsterdam: Harwood Academic Publishers.
- Der derian, J. Michael J. Shapiro, Eds. 1989 *International/Intertextual Relations. Postmodern readings of world politics*. Lexington, Mass.: Lexington Books.
- Doty, L 2002 *Imperial encounters: the politic of representation in North - South relations*. London: University of Minnesota Press.
- Drulák, P 2006 "Motion, Container and Equilibrium: Metaphors in the Discourse about European Integration". *European Journal of International Relations*, Vol. 12, No. 4, pp. 499-531.
- Edwards, R 2011 *Directions towards a 'happy place': Metaphor in conversational Discourse*. Master dissertation in Linguistics in University of North Texas.
- Hansen, I 2006 *Security as practice: Discourse Analysis and the Bosnian War*, New York: Routledge.
- Hulsse, R 2006 "Imagine the EU: the metaphorical construction of a supranationalist identity". *Journal of International Relations and Development*, Vol. 9. pp. 396-421.
- Ivie, R 1997. "ColdWar Motives and the Rhetorical Metaphor: A Framework of Criticism." In *Cold War Rhetoric: Strategy, Metaphor, and Ideology*, edited by Martin J. Medhurst et al., 71-79. East Lansing, MI: Michigan State University Press. Revised edition.
- Lakoff, G 1992 "The Contemporary Theory of Metaphor" in Andrew Ortony ed. *Metaphor and thought*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G and Mark Johnson 1980 "conceptual metaphor in everyday language", *The Journal of Philosophy*, Vol. 77, No.8, pp. 453 - 486.
- Lakoff, G and Mark Johnson 2003 *metaphors we live by*, London: the University of Chicago press.
- Marks, M. 2011 *Metaphors in International Relations Theory*. New York: Palgrave.

- Musolff, A 2006 "Metaphor Scenarios in Public Discourse" *Metaphor and Symbol*. Vol. 21, No. 1, pp. 23-38.
- Mutimer, D 2008 "Waging war in Iraq: the metaphoric constitution of wars and enemies" in Markus Kornprobst et. al. eds. *Metaphors of Globalization: Mirrors, Magicians and Mutinies*. New York: Palgrave.
- ProQuest 2017 Search result with the 'identity' in the titles and keywords of documents, Available at: <https://search-proquest.com.ezp3.semantak.com/results/FE4A9C0AC417496FPQ/1?accountid=14784>
- Said, E. 1995 *Orientalism. Western conceptions of the Orient*. 1978. Harmondsworth, Eng.: Penguin.
- Shapiro, M and Alker, Hayward R., and. 1996 *Challenging boundaries. Global flows, territorial identities*: University of Minnesota Press.
- Steuter, E and Deborah Wills 2008 *At War with Metaphor: Media, propaganda, and Racism in the War on Terror*. New York: Rowman and Littlefield Publishers.
- Tavakoli M 2001 *Refashioning Iran : Orientalism, Occidentalism, and Historiography*, London: Palgrave Macmillan.
- Schwartz, S. Koen Luyckx, and Vivian L. Vignoles. 2011 *Handbook of Identity Theory and Research*. New York: Springer.